

برای آن‌ها میسر باشد، تعیین می‌شوند. این اهدافی که به صورت انفرادی تعیین شده‌اند، سپس به ثبت بین‌المللی می‌رسند. از نظر ایشان برخی تلاش‌ها که برای یک کشور قابل قبول است، لزوماً برای کشور دیگر مورد قبول نیست. کاهش انتشار ۱۰ درصدی از طریق طرح سقف و مبادله انتشار^۱ ممکن است برای یک کشور قابل قبول نباشد، در حالی که در همین زمان اختصاص دادن میزانی پول برای حمایت از سرمایه‌گذاری‌های انرژی‌های تجدیدپذیر و بهبود بهره‌وری انرژی که موجب کاهش ۱۰ درصدی نشر می‌شود، بتواند برای همان کشور قابل قبول باشد.

به منظور کاهش انتشارات طولانی‌مدت، قرارداد پاریس کشورها را ملزم می‌کند که تعهدات خود را در دوره‌های منظم ارائه دهند. همین اتکای به سیاست‌های اقلیمی داوطلبانه کشورها است که، اصلی‌ترین نقطه‌ی عزیمت از پروتکل کیوتو را ایجاد می‌کند. قرار است تعهدات هر پنج سال یک‌بار ارائه شوند و در هر دوره‌ی پنج ساله، از کشورها تعهدات بیشتری انتظار می‌رود. (Falkner, 2016, p. 1115) در واقع این توافق تغییری اساسی در تفکر درباره‌ی استراتژی‌های مدیریت مؤثر درباره‌ی تغییرات اقلیمی، که به ذهن می‌رسد را منعکس می‌کند. هسته‌ی مرکزی این قرارداد به‌طور کلی یک هدف کمی عمومی برای محدود کردن افزایش دمای سطح زمین به دو درجه و تلاش برای این دما تا حد ۵/۱ درجه است. تعهدات به‌خودی‌خود محدودکننده نیستند، ولی در فواصل معینی بازبینی می‌شوند. انتظار می‌رود که اعضا تعهدات خود را در سایه‌ی آنچه برای نیل به هدف نیاز است، ارتقاء بخشند. برخی معتقدند که ما می‌توانیم این تغییر را انتقالی از استراتژی بالابه‌پایین به استراتژی پایین‌به‌بالا قلمداد کنیم. اما یک توصیف بهتر از این تغییر آن است که مدیریت در مقام نوشتن قواعد به مدیریت در مقام تعیین هدف، بدل شده است. (Young, 2017, p. 8)

در این شیوه که به شکل دقیقی تنظیم شده است، تفاوت‌گذاری باقی می‌ماند؛ ولی در شرایطی که می‌توان از آن به شکلی منصفانه به‌عنوان یک چارچوب جهانی مشترک یاد کرد که اقتصادهای ملی در حال ظهور جهان هم‌چون چین، هند و برزیل